فراخوان

دعوت از رئیس جمهور رژیم قصاص و سنگسار را محکوم می کنیم

بیش از دو دهه است که رژیم جمهوری اسلامی ایران برای حفظ حاکمیت خود کشتار، شکنجه ، پیگرد و ترور دگراندیشان ، زنان ، کارگران پیشرو، فعالین سیاسی ، دانشجویان و اقلیتهای ملی و مذهبی را همچنان ادامه می دهد.

به این مناسبت در اعتراض به دعوت دولت آلمان از خاتمی، رئیس جمهور رژیم ۲۱ سال جنایت و

برای دفاع از کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران و خواست آزادی آنان

برای لغو مجازات اعدام

در اعتراض به توقیف روزنامه ها و برای رفع سانسور

در پشتیبانی از جنبش دانشجویان

برای دفاع از حقوق زنان ولغو حجاب اجباری

برای دفاع از خواسته های کارگران

برای دفاع بی قید وشرط از کلیه آزاد یهای سیاسی در ایران

همه زنان و مردان آزادیخواه ، همه تشکل ها و سازمانهای طرفدار آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران ر ا به میتینگ و تظاهرات اعتراضی وسیع در روزهای ۱۰ و ۱۱ ژوئیه در برلین فرا می خوانیم .

زمان و مکان میتینگ و تظاهرات سراسری : روز10. Juli 2000 از ساعت ۱۴ تا ۱۷ عصر، نزدیک دفترصدراعظم آ لمان Werderstraße نبش Kurstraße . تظاهرات از همین مکان از ساعت ۱۷ تا ۱۹ بطرف میدان Alexanderplatz

ایستگاه U- Bhf. Hausvogteiplatz Linie 2

زمان و مکان میتینگ بعدی ما : 11.Juli 2000 از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۴ عصر ، نزدیک دفتر صدراعظم آلمان در Werderstraße /Kurstraße

کمیته برگزارکننده تظاهرات برلین متشکل از :

۱. سازمان فدائیان (اقلیت) . آلمان
۲ . سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران . المان
۳ . سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) . آلمان
۴ . اتحاد چپ کارگری
۵ . اتحاد چپ سوسیالیستی ایران . برلین
۶ . هسته اقلیت
۷. تشکیلات خارج از کشورحزب کمونیست ایران . آلمان
۸ . سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۹ . هواداران حزب رنجبران در آلمان
۱۰ . کمیته هماهنگی نیروهای چپ و مترقی (فرانکفورت)
۱۱ . کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران . برلین
۱۲ . کانون پناهندگان سیاسی ایران . برلین
۱۳. کمیته دفاع از آزادی اندیشه ، بیان ، قلم واجتماعات . هانوفر
۱۴. تریبونال بین المللی علیه جنایات جمهوری اسلامی ایران
۱۵ .شورای مولت سوسیالیستها . واحد هانوفر
۱۶ . کارگاه سیاسی . فرهنگی ایرانیان . هانوفر
۱۷ . بخشی از تشکل مستقل دمکرا تیک زنان ایرانی . هانوفر
۱۸ . همایش زنان ایرانی . هانوفر
۱۹ . شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ
۲۰ . کمیته زندانیان و تعقیب شدگان سیاسی ایران . لایپزیک
۲۱ . کانون مستقل سیاسی ایرانیان . لایپزیک
۲۲ . شورای دمکراتیک . سیاسی ایرانیان . گوتینگن
۲۳ . کانون زندا نیان سیاسی ایران (در تبعید) . آلمان
~~۲۴ . کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران استهکلم~~
۲۵ . سازمان راه آینده
۲۶ .هواداران سابق سازمان پیکار . آلمان
۲۷ . حزب دمکرات کردستان ایران
۲۸ . دفتر ضد نژادپرستی . برلین

حمایت کنندگان :

۱ . تلاش . حمایت از مبارزات مردم ایران . کلن
۲ . کانون دفاع از حقوق بشر شهر برمن
۳ . کمیته دفاع از حقوق شهروندی در ایران . استهکلم
۴ . کانون حمایت از زندانیان سیاسی در ایران . آخن
۵ . انجمن دفاع از زندانیان سیاسی عقیدتی . پاربس
۶ . کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران . گوتنبرگ
۷ . مرکز اسناد و کتابخانه ایرانیان . گوتنبرگ سوئد
۸ . آسیل کمیته گروه ایران . سوئد
۹ . فرهنگسرای اندیشه . گوتنبرگ
۱۰ . سازمان ایرانیان دمکرات . مونیخ
۱۱ . حزب کار ایران (طوفان)
۱۲ . کانون سیاسی فرهنگی ایرانیان . سویکاو

تلفن های موبایل : ۲۹۰۱۶۱۸ . ۰۱۷۹ و ۴۹۴۱۹۶۴ . ۰۱۷۹ و۳۷۰۷۰۰۰ . ۰۱۷۲

فاکس و تلفن تماس در برلین : ۷۹۵۸۲۰۶ و ۲۸۰۸۶۷۸

دعوت از رئیس‌جمهور رژیم قصاص و سنگسار را محکوم می‌کنیم !

دولت آلمان برای تامین منافع سیاسی و اقتصادی‌اش همواره یکی از پشتیبانان دولت‌های دیکتاتوری در تاریخ معاصر ایران بوده است. از زمان روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران ، دولت آلمان بانادیده‌گرفتن تمامی جنایات رژیم ، به یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران تبدیل شده و علیرغم محکومیت سران رژیم بعنوان عاملین اصلی ترور مخالفین در خارج از کشور در دادگاه معروف میکونوس برلین ، با برگزاری کنفرانس برلین و در ادامه آن دعوت از خاتمی بعنوان رئیس‌جمهور رژیم جنایت ، تلاش‌های خودرا برای تبرئه جمهوری اسلامی از جنایاتی که در طول ۲۱ سال حاکمیتش ، مرتکب شده ، ادامه می‌دهد و این درحالی است که افکارعمومی آلمان و جهان ، خاطره سفر شاه در ۳۳ سال پیش و کشته‌شدن " بنوانزورگ " دانشجوی آلمانی را در اعتراض به رژیم دیکتاتوری شاه فراموش نکرده‌اند

این درحالی است که افکار عمومی و مترقی در آلمان انتظار دارند ، دولت این کشور ، حقوق بشر را در مرکز سیاست خارجی خود قراردهد ، اما در عمل منافع اقتصادی- سیاسی سرمایه را تامین می‌کند. دولت کنونی آلمان در کنارآمدن با جمهوری اسلامی ، گوی سبقت را از دولت محافظه‌کار سابق نیز ربوده است.

دعوت از رئیس‌جمهور رژیمی که همه ساله در صدر لیست ناقضین حقوق‌بشر قرار دارد و در ماه‌های پیش نیزباردیگر توسط نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق‌بشر ، محکوم گردیده ، نمونه آشکار سیاست دولتی است که وعده‌های خود به مردم آلمان را در مقابل قدرت ، پول و دیکتاتورها به تاراج می‌گذارد. دولت آلمان مانند سایر محافل بورژوازی بین‌المللی و ایرانی طرفدار رژیم سعی می‌نماید ، از وجود جناح خاتمی که برای حفظ پایه‌های لرزان کلیت نظام از تغییر ، آنهم در چارچوب قانون اساسی اسلامی سخن می‌گویند دفاع نموده و مبارزات مردم ایران را برای تغییر وضع موجود به نفع اصلاح‌طلبان حکومتی قلمداد نماید، تا به انکا به چنین تبلیغاتی رابطه خود را با رژیم جمهوری‌اسلامی ایران توجیه نماید. برای آنان هیچ تفاوتی نمی‌کند که این رژیم برای ادامه نظم کنونی و برقراری امنیت سرمایه تا چه اندازه سرکوب و کشتار می‌کند. مهم ایجاد جزیره آرامش برای سرمایه بین‌المللی است . زندان‌های رژیم هنوز مملو از زندانیان سیاسی و عقیدتی است و سنگسار و قطع اعضای بدن نه تنها در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی کاهش پیدا نکرده ، بلکه طبق آمار رسمی ، افزایش نیز داشته است. سازمان عفوبین‌الملل تنها موارد اعدام در سال ۱۹۹۹ را ۱۶۷ مورد اعلام نموده است.

سرکوب جنبش دانشجویان که در تیرماه گذشته به فرمان خاتمی بعنوان مقام ریاست شورای امنیت ملی صورت گرفت وهمچنین قتل‌های سیاسی پائیز ۹۸ بخشی از کارنامه دوران ریاست جمهوری اوست.

اما علیرغم سرکوب کارگران ، زنان ، نسل‌جوان ، روشنفکران ، اقلیت‌های ملی و مذهبی ، دانشجویان ، هم‌جنس‌گرایان و دیگر گروه‌های اجتماعی ، رژیم نتوانسته است صدای اعتراض مردم را خاموش نماید. مبارزه از اعماق جامعه در اشکال گوناگون جنبش‌های مردمی جریان داشته و رژیم و جناح‌هایش چه از نوع " پیروان ولایت‌فقیه " و چه از جنس " اصلاح‌طلبان اسلامی " نخواهند توانست مبارزه رشدیابنده مردم را متوقف کند.

ما که برای رفاه و یک جامعه انسانی تلاش می‌کنیم ، براین باوریم که دعوت از رئیس‌جمهور رژیم قصاص و سنگسار ، یک سیاست شرم‌آور است و براین اعتقادیم که مردم ایران با انکا به جنبش‌های مستقل خویش، جمهوری اسلامی را سرنگون خواهندکرد ، و دولت آلمان باید به افکار عمومی جهان و مردم ایران به خاطر حمایت و دعوت از رئیس‌جمهور رژیمی که جامعه ایران را به انهدام کشیده ، پاسخگو باشد.

ما از همه انسان‌های آزادیخواه ، نهادهای دموکراتیک و مترقی و سازمان‌های مدافع کارگران و زحمتکشان دعوت می‌کنیم که در تظاهراتی که بر علیه رژیم جمهوری‌اسلامی و نماینده آن در شهر برلین سازماندهی شده است شرکت نمایند!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران !

زنده باد آزادی !

میتینگ سراسری :
روز ۱۰ یولی ۲۰۰۰
از ساعت ۱۴ تا ۱۷ ،
نزدیک دفتر صدراعظم آلمان
Werderst.
تظاهرات : از همان مکان
از ۱۷ تا ۱۹
روز ۱۱ یولی ۲۰۰۰
۱۰ صبح تا ۱۴ عصر
Werderstraße /Kurstraße

تجاوز به حیثیت و امنیت انسان‌ها بویژه زنان است. بنا بر این، دلایلی که برای تعقیب قضایی سران جمهوری اسلامی در دست است به مراتب بیشتر و سنگین‌تر است از آنچه موجب دستگیری پینوشه گردید.

از جانب دیگر، وجود اینهمه زندانی سیاسی و شکنجه شده‌گانی که از ابلاغ‌های رژیم جان سالم بدر برده‌اند و چند میلیون آواره ایرانی در خارج از کشور بهترین و مناسب‌ترین زمینه برای اعلام جرم علیه رژیمی است که مسئول اصلی و تنها مسئول فجایعی است که در این بیست و خورده‌ای سال سلطه‌ی سیاه خود بر مردم ایران، کارگران، روشنفکران و همه‌ی اقشار و طبقات مردمی وارد ساخته است. این رژیم، تقریباً هرسال توسط مراجع بین‌المللی حقوق بشر محکوم شده، و گزارش‌های سالیانه امنستی اینترناشنال و کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، در مورد شکنجه و آزار زندانیان سیاسی، دادگاه‌های فرمایشی و صدور احکام خودسرانه، پرونده‌ی جنایات رژیم را سنگین‌تر می‌کند.

علیرغم کوشش دولت‌های اروپایی، بویژه دولت ائتلافی سوسیال دموکرات-حزب سبزهای آلمان و جیره خواران ایرانی آن‌ها برای ترسیم چهره روتوش شده‌ای از رژیم اسلامی به منظور سرپوش گذاردن بر جنایات آن، بویژه خنثا کردن عواقب رأی دادگاه «می کونوس»، تصمیمات این دادگاه ارزش قضایی خود را کماکان حفظ کرده است. بر اساس احکام صادره در این دادگاه، همه ضرایط حقوقی و قضایی برای به محاکمه کشاندن سران رژیم فراهم است و اینکه تا بحال نیروهای اپوزیسیون از این زمینه‌ها استفاده نکرده‌اند، تنها فرصت‌های مناسب را از دست داده‌اند.

اگر آنچه در ایران، توسط رژیم اسلامی انجام می‌گیرد نقض ابتدایی‌ترین حقوق و اصول انسانی است، پس سکوت مراجع مختلف قضایی و حقوقی ایرانی در خارج از کشور برای چیست؟ بطور مشخص از مسولان «جامعه‌ی حقوق بشر» ایرانی که دارای امکانات بین‌المللی نیز هستند باید پرسید چرا تاکنون اقدام به اقامه دعوا علیه سران رژیم اسلامی که این همه دستشان به خون مردم ایران آغشته است، نکرده‌اند؟ آیا جنایات رژیم اسلامی طی بیش از بیست سال حاکمیت، کمتر از پینوشه، دیکتاتور شیلی است که نسبت به اقدام علیه آن این همه تعلل و کوتاهی می‌شود؟ یا امکانات و موقعیت حقوقی و قضایی «جامعه حقوق بشر» ایران کمتر از یک شهروند بلژیکی-ایرانی است؟

با توجه به اوضاع و احوال کنونی، اگر از «تریبونال بین‌المللی» هنوز چیزی باقی مانده باشد، می‌توان اسناد، مدارک و امکانات آن را در تمام کشورها برای شکایت از سران جمهوری اسلامی بسیج نمود و باین ترتیب تغییری اساسی در تاکتیک‌های این نهاد برای تحقق اهداف آن داده شود. بنا بر شرایط جدید بین‌المللی، دیگر نیازی به برگذاری تریبونالی از نوع «تریبونال راسل» نیست و این امر ظاهراً می‌تواند در چارچوب شکایت علیه سران رژیم، مستقیماً از طریق دادگاه‌های معمولی در کشورهای اروپایی انجام بگیرد.

همان‌طور که اشاره شد، با توجه به سیاست‌های چپاول‌گرانه‌ی کشورهای باصطلاح مدافع حقوق بشر که ناگزیر

حمایت از رژیم‌های سرکوب‌گر و ضد مردمی، از قبیل جمهوری اسلامی را به همراه دارد، طبعاً نه باید درمورد آن‌ها دچار توهم شد و تصور نمود که دولت‌های اروپایی تمایلی در دفاع از حقوق و منافع مردم ایران از خود نشان می‌دهند. هدف از این فعالیت‌ها و اقدامات، قبل از هر چیز بسیج افکار عمومی، بویژه نیروهای انقلابی، روشن‌فکران و زحمت‌کشان این کشورها حول مسائل ایران است تا بدین سان، در عین ایجاد همبستگی با مبارزات مردم ایران، از طریق ایجاد فشار به دولت‌های اروپایی، حمایت آن‌ها از رژیم اسلامی را مختل کرد. چشم امید بستن به احزاب، شخصیت‌ها و جریانات بورژوایی، از قبیل سوسیال دموکرات‌ها و حزب سبزها که خود از مدافعان رژیم اسلامی هستند و از طریق بنیادهای مالی، فرهنگی و دیپلماتیک خویش با تغذیه مالی فرصت‌طلبانی که تحت عنوان «ژورنالیست»، «ایران شناس»، «متخصص علوم اجتماعی» و ... در کنار نمایندگان مرتجع مجلس و مأموران وزارت امور خارجه آلمان، همراه با سفیر ایران در این کشور، به ترسیم چهره رونوش شده‌ای از رژیم فاشیست اسلامی حاکم مشغولند، ره به جایی نمی‌برد و جز اتلاف وقت، به‌هدر دادن نیرو و سرانجام سرخوردگی حاصلی نه خواهد داشت. باید مردم آلمان و نیروهای مترقی این کشور را در مورد اهداف و برنامه‌های این افراد و جریانات و بنیادهایی از قبیل «بنیاد هاینریش بول» آگاه نمود تا در خود آلمان نیروهای مترقی علیه همکاری این جریانات با سفارت ایران، که مطبق شواهد انکار ناپذیر، بویژه اسناد و مدارک دادگاه «می‌کونوس»، مرکز فعالیت‌های تروریستی رژیم اسلامی علیه مخالفان است، به اعتراض برخیزند.

و سرانجام، قرار است آقای خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی که در تمام دوران‌های سرکوب و کشت و کشتار در ایران، چه به عنوان وزیر سانسور و چه در سمت مشاور رفسنجانی، نقش مهمی در رژیم اسلامی داشته است و در جریان تظاهرات نیرهای دانش‌جویان، یکی از دستور دهندگان سرکوب جنبش دانش‌جویی بود، به دعوت دولت آلمان بزودی به این کشور بیاید. دیدار خاتمی از آلمان، فرصت مناسبی است برای «جامعه حقوق بشر»، «تریبونال بین‌المللی» و نیز همه سازمان‌ها و ارگان‌های اجتماعی و مدافع زندانیان سیاسی، بویژه زنان و مردان مبارزی که توسط دژخیمان رژیم شکنجه شده اند، تا علیه او به دادگاه‌های آلمان شکایت برند. این امر در عین حال می‌تواند زمینه را جهت افشای تمام کسانی که به عرضه کردن تصویری غیر واقعی از رژیم جمهوری اسلامی مشغولند فراهم سازد. از این طریق است که می‌توان عرصه را در خارج بر سران جمهوری ترور و اختناق و جیره خواران وطنی و آلمانی آن‌ها تنگ کرد و راه مبارزه را در خارج و داخل، علیه تمامیت این رژیم هموار نمود!